

پژوهشهای حقوقی

شماره ۳

هزار و سیصد و هشتاد و دو - نیمسال اول

مقالات

- صلاحیت فراسرزمینی دادگاه های ایران نسبت به جرائم مأموران و مستخدمان دولت
- تأملی بر دعاوی ایران در دیوان دادگستری بین المللی
- چالش های مسؤولیت کیفری دولت از منظر کمیسیون حقوق بین الملل
- تعیین مرجع رسیدگی به دعاوی تجارت الکترونیک
- عمل حقوقی از دیدگاه یک حقوقدان بین المللی

موضوع ویژه : حمایت حقوقی از کپی رایت

- رابطه آثار فکری با پدیدآورندگان از دیدگاه حقوق اسلامی
- کپی رایت و حقوق مرتبط در موافقت نامه راجع به جنبه های تجاری حقوق مالکیت معنوی
- تأثیر فناوری دیجیتال بر کپی رایت
- استثنای مهم حق مؤلف : «استفاده منصفانه» از اثر دیگری
- حمایت کیفری از مالکیت ادبی و هنری در حقوق فرانسه
- صلاحیت بین المللی و شناسایی و اجرای احکام خارجی در دعاوی مالکیت های فکری

نقد و معرفی

- پلیس اروپا (یورویل)
- کنوانسیون سازمان بهداشت جهانی در مورد کنترل دخانیات (۲۰۰۳)





http://jlr.sdil.ac.ir/article_44842.html

صلاحیت بین‌المللی و شناسایی و اجرای احکام خارجی در دعاوی مالکیت‌های فکری*

ام. جی. تی. درینسن

ترجمه باقر انصاری**

چکیده: بسیاری از قراردادهای شبه‌جرم‌های راجع به حقوق مالکیت‌های فکری به لحاظ دخالت عنصری خارجی جنبه‌ای فراملی دارند. در دعاوی ناشی از قراردادهای شبه‌جرم‌های این‌چنینی از یک سو تشخیص مرجع یا مراجع صالح رسیدگی به دعوی امری پیچیده و فنی است و از سوی دیگر شناسایی و اجرای آرای صادره در مراجع ملی که عموماً متفاوت از مرجع صادرکننده رأی می‌باشند مشکلات زیادی را دامن زده است. اینکه کنوانسیون‌های بین‌المللی چگونه موفق گشته‌اند با هماهنگ ساختن نظام‌های ملی حقوق مالکیت‌های فکری را پشتوانه‌ای مناسب و مؤثر بخشند محور بحث این مقاله است.

* Marieke Germa Tonny Driessen; "International Jurisdiction and Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Intellectual Property Cases", *Submitted for the Seminar International and Comparative Protection of Intellectual Property*, School of Law, Columbia University, 2001.

** دانشجوی دوره دکترای حقوق خصوصی دانشگاه تهران

کلید واژه‌ها: صلاحیت، شناسایی، اجرا، مالکیت فکری، کنوانسیون بین‌المللی،
نظم عمومی، قرارداد، شبه جرم، داوری

۱. مقدمه

در دعاوی مالکیت‌های فکری که ابعاد بین‌المللی دارند طرفین دعوی ممکن است با مسائل مشکل حقوق بین‌الملل خصوصی مواجه شوند. برای مثال هنگامی که یک امریکایی مالک یک حق اختراع ثبت‌شده در ایتالیا می‌خواهد دعوای نقض حق خود را علیه یک شرکت استرالیایی که عمل ناقض حق را در ایتالیا مرتکب شده است، اقامه کند باید بداند که شرکت مذکور را در کجا می‌تواند تحت تعقیب قرار دهد. پرسش دیگر این است که کدام قانون نسبت به این اختلاف قابل اعمال است. فرض کنید که دارنده حق اختراع، حکمی را علیه شرکت استرالیایی به دست آورد و اکنون درصدد اجرای این حکم در کشورهایی باشد که دارای و اموال شرکت استرالیایی در آنجا قرار دارد. در این صورت، دارنده حق اختراع باید به قواعد شناسایی و اجرایی احکام خارجی روی آورد.

به طور کلی صلاحیت، قانون قابل اعمال و شناسایی و اجرای احکام خارجی تابع قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی کشورها هستند، مگر آنکه عهدنامه‌هایی درباره این مسائل منعقد شده باشد. یک نمونه مهم از یک عهدنامه چندجانبه «کنوانسیون راجع به صلاحیت و اجرای احکام در امور مدنی و تجاری» است که در ۲۷ سپتامبر ۱۹۶۸ بین کشورهای عضو جامعه اروپا در بروکسل منعقد شده است. چنین عهدنامه‌هایی اگر چه برای مسائل ناشی از اختلافات بین‌المللی برخی راه‌حل‌ها را پیش‌بینی می‌کنند اما قلمرو مکانی یا اعمال سرزمینی آنها، اهمیت عملی آنها را غالباً محدود می‌سازد. امروزه نیاز به یک عهدنامه بین‌المللی یا جهانی که به مسائل فوق‌الذکر، به ویژه در زمینه مالکیت‌های فکری پرداخته باشد، بیش از پیش احساس می‌شود.

در سال ۱۹۹۲، ایالات متحده امریکا به «کنفرانس لاهه درباره حقوق بین‌الملل خصوصی» پیشنهاد نمود که یک عهدنامه بین‌المللی درباره شناسایی و

اجرای احکام خارجی و صلاحیت‌ها تهیه شود. در همان سال پیشنهاد مذکور به وسیله «کمیسیون خاص راجع به سیاستگذاری کلی کنفرانس لاهه» مورد بحث و بررسی قرار گرفت و چنین نتیجه‌گیری شد که یک عهدنامه بین‌المللی، راجع به صلاحیت، و شناسایی و اجرای احکام خارجی، واقعاً مورد نیاز است.

در تاریخ ۳۰ اکتبر ۱۹۹۹، کنفرانس لاهه طرح اولیه کنوانسیون راجع به صلاحیت و احکام خارجی در امور مدنی و تجاری را مورد پذیرش قرار داد. از آن زمان تاکنون، تأثیر کنوانسیون لاهه بر مسائل مالکیت‌های فکری همواره موضوع بحث و مناقشه بوده است. مطابق برنامه زمانی اولیه، متن نهایی کنوانسیون لاهه قرار بود در خلال یک کنفرانس دیپلماتیک در پائیز سال ۲۰۰۰ مورد تصویب قرار گیرد، اما به دلیل موانعی که ایجاد شد، کنفرانس دیپلماتیک تا می ۲۰۰۱ به تعویق افتاد. اگر کنوانسیون لاهه، در دستیابی به یک نتیجه رضایت‌بخش برای مجموع مالکیت‌های فکری توفیق حاصل نکند، می‌تواند نقطه شروع انعقاد عهدنامه‌ای باشد که به ویژه با صلاحیت، شناسایی و اجرای احکام در دعاوی مالکیت‌های فکری هماهنگی دارد. چنین عهدنامه‌ای می‌تواند در چارچوب سازمان جهانی مالکیت‌های فکری (WIPO) یا در سازمان تجارت جهانی (WTO) مورد مذاکره و بررسی قرار گیرد.

در روزهای ۳۰ و ۳۱ ژانویه ۲۰۰۱، پروفیسور «دریسی فوس» و پروفیسور «گینسبورگ» در چارچوب WIPO یک متن اولیه را برای «کنوانسیون راجع به صلاحیت و شناسایی احکام در مسائل مالکیت‌های فکری» پیشنهاد دادند. نوشتار حاضر، ابعاد مرتبط با مالکیت‌های فکری، صلاحیت بین‌المللی و شناسایی و اجرای احکام خارجی در چارچوب کنوانسیون بروکسل، کنوانسیون لاهه و عهدنامه حقوق مالکیت معنوی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. با توجه به اینکه کنوانسیون لاهه از کنوانسیون بروکسل الگوبرداری کرده است، فصل دوم این نوشتار به اختصار بند یک و بند سه ماده ۵ و بند چهار ماده ۱۶ کنوانسیون بروکسل را که مقررات آنها ارتباط مستقیم با امور مالکیت‌های فکری دارد بررسی می‌کند. مواد ۶ و ۱۰ و بند چهار ماده ۱۲ کنوانسیون لاهه همانند مقررات کنوانسیون بروکسل هستند که در فصل سوم به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. فصل چهارم نشان می‌دهد که عهدنامه

حقوق مالکیت معنوی، مسائلی را که در رابطه با کنوانسیون لاهه مطرح می‌شود چگونه مورد توجه قرار داده است. فصل پنجم، ارتباط میان قانون قابل اعمال و شناسایی و اجرای احکام خارجی را بررسی می‌کند و فصل ششم نیز، نتایج حاصل از فصل‌های پیشین را ارائه می‌کند.

۲. کنوانسیون بروکسل

۲-۱. مقدمه

ماده ۲ کنوانسیون بروکسل به دادگاه کشور محل اقامت خواننده صلاحیت عام اعطا می‌کند و مطابق مواد ۵ تا ۱۸ کنوانسیون، صلاحیت اضافی نیز ممکن است به دیگر دادگاه‌ها اعطا شود. بندهای یک و سه ماده ۵ و بند چهار ماده ۱۶ به دعاوی مالکیت‌های فکری مربوط هستند.

۲-۲. قرارداد

بند یک ماده ۵ کنوانسیون بروکسل مقرر می‌دارد که در امور مرتبط با یک قرارداد، مکان اجرای تعهد متنازع‌فیه تعیین می‌کند که دادگاه صالح کدام است. اگر قرارداد متضمن تعهدهای مختلف باشد دعوی باید در دادگاه‌های کشور محل تعیین‌شده برای اجرای تعهدی که مبنای دعوی را تشکیل می‌دهد اقامه شود. اگر مبانی دعوی متشکل از چند تعهد باشد، در این صورت تعهد اصلی که دعوی مبتنی بر آن است تعیین‌کننده خواهد بود. اگر تعهدات ناشی از قرارداد، باید در کشورهای مختلف عضو کنوانسیون بروکسل اجرا شود، تمامی این کشورها صلاحیت رسیدگی به دعوی را خواهند داشت. این امر به ویژه در قراردادهای مالکیت فکری که حاوی تعهدات منفی هستند، مشکل ایجاد می‌کند، زیرا انجام این‌گونه تعهدات در هر جا امکان‌پذیر است و مکان خاصی ندارد. همچنین خواننده می‌تواند با استناد به بند چهار ماده ۱۶ کنوانسیون بروکسل، قراردادی را که حق مالکیت فکری به موجب آن انتقال یافته، فاقد اعتبار اعلام کند و دعوی ناشی از یک قرارداد واگذاری امتیاز را خنثی سازد. بند یک ماده ۵، اخیراً مورد بازنگری کمیسیون اروپا قرار گرفته است.

۲-۳. مسؤلیت مدنی

بر مبنای بند سوم ماده ۵ کنوانسیون بروکسل می‌توان خواننده را در امور راجع به مسؤلیت مدنی، جرم یا شبه جرم، در کشور محل وقوع حادثه زیانبار مورد تعقیب قرار داد. به اعتقاد دیوان دادگستری اروپا، این امر بدین معناست که خواننده ممکن است به انتخاب خواهان، در دادگاه محل وقوع خسارت یا دادگاه محل وقوع حادثه‌ای که منشأ خسارت یا منجر به خسارت شده است مورد تعقیب قرار گیرد. دیوان مذکور، در دعوی Shevill علیه Alliance، تفسیر بیشتری از بند سوم ماده ۵ ارائه داده است. در این دعوی، دیوان اعلام کرد که دادگاه‌های کشوری که ناشر یک اثر توهین‌آمیز در آنجا مستقر است، صلاحیت صدور حکم به جبران تمام خسارات ناشی از هتک حرمت را دارد، در حالی که دیگر دادگاه‌ها، تنها می‌توانند نسبت به خساراتی که خواهان در کشور محل وقوع آنها متحمل شده است، حکم صادر کنند. به عنوان مثال فرض کنید که کپی‌رایت یک شرکت آلمانی توسط شخصی که در هلند اقامت دارد نقض شود و خساراتی را در آلمان، هلند و بلژیک برای او به بار آورد. در این صورت، می‌توان خواننده را در دادگاه‌های آلمان، هلند و بلژیک مورد تعقیب قرار داد و هریک از دادگاه‌های مذکور تنها به جبران خسارات وارد شده در این کشورها حکم صادر می‌کنند. چنانچه خواننده در بلژیک یا آلمان تحت تعقیب قرار گیرد، دادگاه‌های بلژیک یا آلمان می‌توانند بر مبنای بند سه ماده ۵ کنوانسیون بروکسل، حکم به جبران خساراتی صادر کنند که در قلمرو سرزمینی آنها به خواهان وارد شده است.

۲-۴. صلاحیت انحصاری

بند چهار ماده ۱۶ کنوانسیون بروکسل، برای برخی امور راجع به حقوق مالکیت‌های فکری، به شرح زیر صلاحیت انحصاری پیش‌بینی کرده است:

«دادگاه‌های ذیل، صرف‌نظر از اقامتگاه، دارای صلاحیت انحصاری

هستند:

(...) در دعاوی راجع به ثبت یا اعتبار اختراعات، علائم تجاری، طرح‌ها یا دیگر حقوق مشابهی که باید تودیع شده یا به ثبت برسند، دادگاه‌های دولت متعاهدی که در آن دولت تودیع یا ثبت، تقاضا شده یا صورت گرفته یا مطابق با یک کنوانسیون بین‌المللی فرض بر این است که صورت گرفته است».

۱-۴-۲. قلمرو شمول: دیوان دادگستری اروپا در دعوای Duijnsteه علیه Goderbauer، خاطر نشان ساخت که دعاوی مرتبط با ثبت یا اعتبار اختراعات باید به صورت مضیق تفسیر شوند. در رابطه با اختلافات راجع به حق اختراعات، بند چهار ماده ۱۶ کنوانسیون بروکسل، محدود به اختلافاتی است که درباره اعتبار، وجود یا انقضای حق اختراعات یا ادعای یک حق تقدم در نتیجه یک تودیع مقدم ایجاد شده‌اند. به اعتقاد دیوان دادگستری اروپا، بند چهار ماده ۱۶ کنوانسیون بروکسل شامل اختلافاتی نمی‌شود که میان یک کارگر و کارفرمای او درباره حقوق هر یک از آنها نسبت به یک حق اعطاشده به اختراعی که توسط کارگر و در جریان کارش صورت گرفته ایجاد می‌شود. قلمرو بند چهار ماده ۱۶، نه شامل رقابت غیرمنصفانه می‌شود و نه شامل دعاوی نقض اختراعات.

۲-۴-۲. دفاع، دعوای متقابل، پرسش فرعی: عبارت «دعاوی مرتبط» که در بند چهار ماده ۱۶ کنوانسیون بروکسل پیش‌بینی شده، از نقطه نظر دیگری حائز اهمیت است. هر زمان که مسأله ثبت یا اعتبار حقوق مالکیت‌های فکری در رسیدگی‌ها مطرح می‌شود، دادگاه کشور محل ثبت حقوق مذکور صلاحیت انحصاری دارد، خواه مسأله ناشی از یک دفاع باشد یا ناشی از یک دعوای متقابل و یا از یک سؤال فرعی ناشی شده باشد. ماده ۱۹ کنوانسیون بروکسل مقرر می‌دارد که هنگامی که دعاوی عمدتاً با امری مرتبط هستند که دادگاه‌های دولت متعاقد دیگر به استناد ماده ۱۶ نسبت به آن صلاحیت دارند، دیگر دادگاه‌ها باید خواست خودشان مبنی بر عدم صلاحیت را اعلام کنند. برای مثال اگر دعوای عمدتاً، به اعتبار یک حق اختراع

فرانسوی مربوط باشند، دادگاه‌های کشورهای غیر از فرانسه باید از صلاحیت خود به نفع دادگاه‌های فرانسه عدول کنند. با وجود این اگر دعاوی به نقض حق اختراع فرانسوی مربوط باشند، دیگر دادگاه‌ها نیز می‌توانند نسبت به دعاوی نقض و البته نه نسبت به اعتبار حق اختراع فرانسوی اعمال صلاحیت کنند. نسبت به اعتبار اختراع، تنها دادگاه‌های فرانسه صالح هستند، لذا نتیجه عملی آن است که یک دادگاه درباره اعتبار تصمیم‌گیری خواهد کرد و دادگاه دیگر درباره نقض حقوق مالکیت‌های فکری. حال آنکه این نتیجه چندان مطلوب نمی‌باشد.

گرایش دادگاه‌های انگلستان، بدان‌گونه که در دعوی Fort Dodge شاهد آن هستیم اجتناب از نتیجه فوق‌الذکر است. در این دعوی Akzo، دعاوی نقض حق اختراع خود را در هلند اقامه کرد. فورت دُج تلاش کرد تا وی را ملزم به طرح دعوی در دادگاه‌های انگلستان سازد، زیرا استدلال می‌کرد که این دعوی شامل بررسی اعتبار یک حق اختراع انگلیسی است که مطابق با بند چهار ماده ۱۶ کنوانسیون بروکسل منحصراً در دادگاه‌های انگلستان، قابل احراز است. دادگاه انگلیس نیز این پرسش را که آیا یک حق اختراع انگلیسی نقض شده است یا نه، متضمن یک ارزیابی ضروری از قلمرو و اعتبار حق اختراع انگلیسی دانست. بنابراین از دید انگلیسی‌ها دعاوی نقض یک حق اختراع نیز باید در نزد دادگاه کشوری طرح شود که حق اختراع در آنجا به ثبت رسیده است ولی این امر یک تفسیر اشتباه از بند چهار ماده ۱۶ کنوانسیون بروکسل می‌باشد.

۳-۴-۲. ثبت: عبارت «دولت متعاهدی که در آنجا، تودیع یا ثبت حق اختراع تقاضا شده یا صورت گرفته و یا مطابق با یک کنوانسیون بین‌المللی فرض بر این است که صورت گرفته باشد» شامل اختراعات راجع به حقوق مالکیت‌های فکری است که این حقوق بدون بررسی قبلی یا با بررسی قبلی توسط مؤسسات حکومتی اعطا شده‌اند. برای مثال در هلند یک حق اختراع شش ساله را می‌توان به موجب درخواست به دست آورد، در حالی که یک حق اختراع ۲۰ ساله تنها پس از بررسی تقاضا قابل اعطا است. حسب اینکه تقاضا برای یک حق اختراع ۲۰ ساله صورت

گرفته باشد، اختلافات راجع به آن حق، باید مطابق با بند چهار ماده ۱۶ کنوانسیون بروکسل در دادگاه‌های هلند طرح شود.

در رابطه با علائم تجاری، موافقت‌نامه مادرید و پروتکل مادرید مقرر می‌دارند که یک علامت تجاری که در نزد دفتر بین‌المللی مستقر در ژنو تودیع شده است در تمامی کشورهای عضو موافقت‌نامه مادرید و پروتکل مادرید به عنوان علامت تجاری‌ای که در آن کشورها تودیع شده مورد حمایت خواهد بود. تودیع علامت تجاری در هریک از کشورهای عضو موافقت‌نامه مادرید و پروتکل مادرید ضروری نیست، لذا بر مبنای بند چهار ماده ۱۶ کنوانسیون بروکسل، دادگاه‌های دول عضو موافقت‌نامه مادرید و پروتکل مادرید صلاحیت انحصاری دارند تا به دعاوی راجع به ثبت یا اعتبار علائم تجاری تودیع‌شده نزد دفتر بین‌المللی رسیدگی کنند.

روی دیگر سکه، «مقررات راجع به علامت تجاری جامعه اروپا» است. بر مبنای این مقررات، «دفتر هماهنگ‌سازی بازار داخلی» (OHIM) که در آلیسانت اسپانیا مستقر است تقاضاهای راجع به علائم تجاری جامعه اروپا را مورد ارزیابی قرار می‌دهد که برای کل اتحادیه اروپا معتبر است. مطابق با عنوان نهم مقررات مذکور، دعاوی راجع به اعتبار یک علامت تجاری متعلق به جامعه اروپا، در نزد محاکم تمامی دولت‌های عضو قابل طرح است. با توجه به اینکه مقررات مذکور بر مبنای ماده ۵۷ کنوانسیون بروکسل، جایگزین کنوانسیون مذکور شده و آن را از اعتبار می‌اندازد، ترافعات راجع به اعتبار علامت تجاری جامعه اروپا لازم نیست صرفاً در دادگاه‌های اسپانیا مطرح شود.

۲-۵. ارتباط با دیگر کنوانسیون‌ها

طبق ماده ۵۷ کنوانسیون بروکسل، سایر کنوانسیون‌هایی که بین دولت‌های عضو اتحادیه اروپا درباره صلاحیت یا شناسایی و اجرای احکام منعقد شده است بر کنوانسیون بروکسل تقدم دارند. برای مثال، «مقررات راجع به علامت تجاری جامعه اروپا» و «کنوانسیون اروپایی حق اختراع» مصوب ۱۹۷۳ بر کنوانسیون بروکسل ترجیح دارد. کنوانسیون حق اختراع اروپایی مصوب ۱۹۷۳ با پروتکلی درباره

صلاحیت و شناسایی تصمیمات مربوط به حق اعطای اختراع اروپایی همراه است. مواد ۲ و ۵ پروتکل مذکور مقرر می‌دارد که متقاضی یک حق اختراع اروپایی در کشوری قابل تعقیب است که مقیم آنجاست یا محل اصلی تجارت او آنجاست؛ مگر آنکه طرفین، توافق‌نامه کتبی تنظیم کرده باشند مبنی بر اینکه محاکم یک دولت خاص درباره اختلافات تصمیم‌گیری خواهد کرد که در این صورت، دادگاه مذکور واجد صلاحیت انحصاری خواهد بود. اگر پروتکل به تنهایی اعمال نشود، بند چهار ماده ۱۶ کنوانسیون بروکسل مجدداً وارد عمل می‌شود. از بند مذکور می‌توان این نتیجه را گرفت که تنها دادگاه‌های کشوری که در آن اعطای حق اختراع اروپایی تقاضا شده صلاحیت رسیدگی دارند. با وجود این، گاهی مطابق ماده ۵ پروتکل مربوط به کنوانسیون بروکسل، صلاحیت انحصاری به دادگاه‌های هر یک از دولت‌های متعاقد اعطا خواهد شد که در آن دولت، حق اختراع اروپایی اعطا شده است.

۳. کنوانسیون پیشنهادی لاهه

۳-۱. مقدمه

در سال ۱۹۹۷، در جریان نشست دوم کمیسیون خاص کنفرانس لاهه، این سؤال مورد بررسی قرار گرفت که آیا مالکیت‌های فکری را می‌توان در قلمرو کنوانسیون پیشنهادی گنجانید یا نه. علی‌رغم بی‌میلی اولیه، نتیجه بحث آن شد که اقداماتی که در دعاوی مالکیت‌های فکری صورت می‌گیرند کاملاً مرتبط به هم هستند. با در نظر گرفتن مشکل تمییز دعاوی شامل مالکیت‌های فکری از سایر دعاوی، کمیسیون خاص تصمیم گرفت تا مسائل مالکیت‌های فکری را از قلمرو شمول کنوانسیون لاهه خارج سازد.

امروزه مجدداً درباره گنجانیدن حقوق مالکیت‌های صنعتی در کنوانسیون لاهه، اختلاف نظر ایجاد شده است. مخالفین این امر اعلام می‌کنند که مسائل مالکیت‌های صنعتی بسیار خاص و پیچیده می‌باشد. در مقابل، موافقان اصرار می‌ورزند که مسائل مالکیت‌های فکری کاملاً با مسائلی نظیر قراردادها مرتبط می‌باشند و باید در یک کنوانسیون واحد مطرح شوند.

این نوشتار به مطالعه مواردی از کنوانسیون لاهه می‌پردازد که ارتباط مستقیم با مالکیت‌های فکری دارند. به موجب ماده ۳ کنوانسیون لاهه، خواننده در دادگاه‌های کشور محل اقامت عادی خود قابل تعقیب است. ماده شش کنوانسیون مذکور در دعاوی قراردادی نظیر دعاوی راجع به قراردادهای واگذاری امتیاز، صلاحیت‌های اضافی پیش‌بینی کرده است. ماده ۱۰ به بررسی صلاحیت اضافی در دعاوی ناشی از مسئولیت‌های مدنی یا جرائم نظیر دعاوی نقض مالکیت‌های فکری می‌پردازد. بند چهار ماده ۱۲ نیز به دادگاه‌های دولت‌های متعاقدی که حقوق مالکیت‌های فکری در آنجا تودیع شده یا به ثبت رسیده است، صلاحیت انحصاری اعطا می‌کند.

۳-۲. قرارداد

ماده ۶ کنوانسیون لاهه مقرر می‌دارد که دعاوی ناشی از قرارداد در دادگاه‌های کشوری قابل طرح است که اجرای تعهد اصلی ناشی از قرارداد، کلاً یا جزئاً در آنجا صورت می‌گیرد. در دعاوی راجع به تولید کالا یا ارائه خدمات، دادگاه‌های کشوری که کالا در آنجا تولید یا خدمات در آنجا ارائه می‌شود، واجد صلاحیت هستند. مشکل عملی ماده شش آن است که ممکن است برای یک فروشنده احراز اینکه کالاها در کجا تولید شده‌اند یا خدمات در کجا عرضه شده‌اند مقدور نباشد. در چنین صورتی فروشنده، کالا یا خدمات را بدون آگاهی از اینکه اقدام وی تابع صلاحیت کدام کشور خواهد بود تسلیم و یا عرضه می‌نماید. برای مثال، اگر کالا یا خدمات از طریق اینترنت تسلیم شده باشند، فروشنده در چند کشور ممکن است مورد تعقیب قرار گیرد. اهمیت عملی ماده شش ممکن است به هنگامی که طرفین یک قرارداد درباره شرط انتخاب دادگاه توافق کرده باشند، محدود شود. مطابق با ماده چهار کنوانسیون لاهه، تمامی دعاوی مرتبط با قراردادهای حاوی یک شرط انتخاب دادگاه باید نزد دادگاه انتخاب‌شده اقامه شود.

۳-۳. مسئولیت مدنی

بند یک ماده ۱۰ کنوانسیون لاهه، مبانی دیگری را برای صلاحیت دادگاه‌های

کشوری پیش‌بینی کرده است که عبارتند از: (الف) در آن کشور فعل یا ترک فعل موجب ضرر رخ داده باشد یا (ب) در آن کشور ضرر به بار آمده باشد، مگر آنکه خواننده اثبات کند شخصی که به عنوان مسئول معرفی شده نمی‌توانسته به طور متعارف و معقول پیش‌بینی کند که آن فعل یا ترک فعل، به ورود یک خسارت با ماهیت مشابه در آن کشور منجر خواهد شد. جزء b بند یک ماده ۱۰، متضمن ضابطه «عرفاً قابل پیش‌بینی» می‌باشد که این ضابطه به دلیل ابهام زیاد آن مورد انتقاد واقع شده است. همچنین پرسش‌هایی نسبت به اینکه نقض در کجا صورت گرفته یا خسارت در کجا به بار آمده است، به ویژه در مسئولیت‌های مدنی فرامرزی نظیر استفاده خطاکارانه از علائم تجاری در اینترنت، قابل طرح است. در چنین مواردی احراز اینکه آیا نقض صورت خواهد گرفت یا نه و اینکه خسارت در کجا ایجاد خواهد شد، اغلب دشوار است.

در مورد علائم تجاری ادعا شده است که جزءهای a و b بند یک ماده ۱۰، احتمالاً اشاره به همان دولتی دارند که در آنجا دعاوی نقض علائم تجاری باید اقامه شود. با توجه به ماهیت سرزمینی علائم تجاری، نقض آنها، تنها در کشوری قابل تحقق است که علامت تجاری، در آن کشور مورد حمایت واقع شده و به همین ترتیب خسارت نیز تنها در همان کشور می‌تواند وارد شود. نتیجه این بحث آن خواهد شد که اگر کشور A از یک علامت تجاری کشور B حمایت نکند در این صورت هیچ نوع نقض علامت تجاری در کشور A قابل تحقق نیست و هیچ نوع خسارتی نیز به مالک علامت تجاری قابل ایراد نیست. مطابق مفاد کنوانسیون لاهه این امر بدان معناست که مالک علامت تجاری نمی‌تواند به مبنای جزء a یا مبنای جزء b بند یک ماده ۱۰ به عنوان مبنای صلاحیت استناد کند. بر عکس، اگر پذیرفته شود که نقض یک علامت تجاری و خسارت ناشی از آن نقض تنها در محلی قابل تحقق است که علامت تجاری مورد حمایت واقع شده است، این امر بدان معناست که یک صلاحیت انحصاری بالفعل برای دادگاه‌های کشوری که علامت تجاری از آنجا نشأت گرفته است، موجود باشد. این نتیجه با توجه به بحث‌های راجع به درج دعاوی مربوط به نقض در صلاحیت انحصاری بند چهار ماده ۱۲ کنوانسیون لاهه به

احتمال زیاد مورد مناقشه قرار خواهد گرفت.

اگر مبنای صلاحیت پیش‌بینی شده در جزء‌های a و b بند یک ماده ۱۰ منتهی به صلاحیت دادگاه‌های واحدی در دعاوی نقض علائم تجاری بشوند، مناسبت و ارتباط جزء b بند یک ماده ۱۰ احتمالاً کاهش خواهد یافت؛ زیرا، صلاحیت پیش‌بینی شده در جزء b، تابع دو محدودیت است: نخست، بند چهار ماده ۱۰، صلاحیت مبتنی بر جزء b را به خسارت‌هایی محدود می‌کند که در کشور محل استقرار آن دادگاه به وقوع پیوسته یا واقع خواهد شد. مگر آنکه اقامتگاه معمولی زیان‌دیده در آن کشور واقع شده باشد. دوم آنکه، قابلیت اعمال جزء b یک ماده ۱۰ تابع ضابطه «عرفاً قابل پیش‌بینی بودن» می‌باشد. با فرض وجود اختیار، شاکی محدودیت‌های صلاحیت مبتنی بر جزء b را دور خواهد زد و بر مبنای جزء a بند یک ماده ۱۰ دعوای خود را تعقیب خواهد کرد. این امکان، تناسب و ارتباط جزء یک ماده ۱۰ را از بین خواهد برد.

ماده ۱۰ کنوانسیون لاهه از بند سوم ماده پنج کنوانسیون بروکسل، بدان‌گونه که به وسیله دیوان دادگستری اروپا در قضیه Shevill مورد تفسیر واقع شده است، متفاوت می‌شود. در نتیجه رأی مزبور، هر شاکی می‌تواند نزد دادگاه‌های کشوری که خسارت در آنجا ایجاد شده طرح دعوی کند، مشروط بر اینکه دادگاه مذکور، تنها در رابطه با خساراتی که در آن کشور ایجاد شده یا ایجاد خواهد شد صلاحیت داشته باشند. لذا چنانچه یک شاکی خسارت‌هایی را در کشورهای متفاوت متحمل شده باشد می‌تواند در هر یک از این کشورها، دعوی اقامه کند. برای پرهیز از این نتیجه، بند چهار ماده ۱۰ کنوانسیون لاهه مقرر می‌دارد که محدودیت راجع به جبران خسارات ایجاد شده در کشوری که در آنجا دعوی اقامه شده به هنگامی که شخص زیان‌دیده اقامتگاه معمولی‌اش در آن کشور قرار دارد، قابل اعمال نیست. اگر شخص زیان‌دیده به طور معمولی مقیم کشوری باشد که دعوی بر مبنای بند چهار ماده ۱۰ در آنجا اقامه شده است دادگاه‌های آن کشور می‌توانند راجع به آن دعوی و نیز خساراتی که در دیگر کشورها ایجاد شده است تصمیم‌گیری کنند.

این امر به ویژه در دعاوی مربوط به نقض حقوق مالکیت‌های فکری نظیر

نقض علائم تجاری در اینترنت اهمیت پیدا می‌کند. به لحاظ نظری، فرض بر آن است که نقض علائم تجاری در اینترنت و خسارات ناشی از آن در هریک از کشورهای جهان رخ داده است. یعنی می‌توان در همه کشورها طرح دعوی کرد و این امر خطر صدور احکام متعارض را افزایش داده و بر عکس، از ناکارآمدی حل تراض می‌کاهد. یکی از مصادیق اعمال بند چهار ماده ۱۰، آن است که یک تولیدکننده آلمانی کالاهایش را در روی یک سایت اینترنتی تبلیغ کند. این سایت اینترنتی، علامت تجاری "X" را نشان می‌دهد که در آلمان به ثبت رسیده و متعلق به تولیدکننده آلمانی است. یک تولیدکننده آرژانتینی نیز مالک همان علامت است که در آرژانتین به ثبت رسانده است. تولیدکننده آرژانتینی، تولیدکننده آلمانی را به خاطر نقض علائم تجاری در آلمان مورد تعقیب قرار داده و برای جلوگیری از ادامه استفاده از علامت تجاری "X" در سایت اینترنتی تولیدکننده آلمانی، صدور دستور موقت را تقاضا می‌کند. به موجب بند چهار ماده ۱۰ کنوانسیون لاهه، حکمی که در آلمان صادر می‌شود محدود به آلمان خواهد بود با وجود این اگر دعوی مبتنی بر این واقعیت باشد که خسارت در آرژانتین وارد شده است، دادگاه آرژانتینی در رابطه با خسارات وارد شده در آنجا و دیگر کشورها واجد صلاحیت خواهد بود زیرا تولیدکننده آرژانتینی، اقامتگاه عادی‌اش در آرژانتین واقع است.

۳-۴. صلاحیت انحصاری

بند چهار ماده ۱۲ کنوانسیون لاهه، صلاحیت‌های انحصاری را به شرح زیر احصا می‌کند:

«در دعاوی‌ای که موضوع آنها ثبت، اعتبار، [یا] بطلان، [، فسخ، نقض،] حق اختراع، علائم تجاری، طرح‌ها یا دیگر حقوق مشابه می‌باشد که باید تودیع شده یا به ثبت برسند، دادگاه‌های کشور متعاقدی که در آن کشور تودیع یا ثبت درخواست شده یا صورت گرفته یا مطابق با مفاد یک کنوانسیون بین‌المللی فرض بر این است که صورت گرفته است، صلاحیت

انحصاری دارند. این صلاحیت به دعاوی کی‌رایت یا دیگر حقوق مرتبط حتی در صورتی که ثبت یا تودیع آن حقوق ممکن باشد، اعمال نخواهد شد.»

۱-۳-۴. قلمرو شمول: این ماده انعکاسی از بند چهار ماده ۱۶ کنوانسیون بروکسل می‌باشد و یک سیستمی را ایجاد می‌کند که آشنا و متداول است. این تردید وجود دارد که آیا یک شرط صلاحیت انحصاری برای اختلافات راجع به حقوق مالکیت‌های فکری باید در کنوانسیون لاهه گنجانده شود یا نه. این صلاحیت انحصاری، نسبت به حقوق ثبت شده بسیار محدودکننده است و اختلافات راجع به حقوق مالکیت‌های فکری بر مبنای ماده ۳ یا ماده ۶ (در صورتی که آنها مربوط به قرارداد باشد) یا ماده ۱۰ (در صورتی که آنها مربوط به مسئولیت مدنی باشند) قابل حل و فصل هستند. سرانجام آنکه در بند سه ماده ۱۲ کنوانسیون لاهه، صلاحیت انحصاری برای حل و فصل اختلافات راجع به صحت و اعتبار و آثار ثبت در دفاتر عمومی نظیر دفاتر ثبت حق اختراعات و کی‌رایت‌ها به دادگاه‌های کشوری اعطا شده است که ثبت در آنجا نگهداری می‌شود. با وجود این بند سه ماده ۱۲ کنوانسیون، تنها به صحت نفس ثبت مربوط می‌شود و نه به دعاوی نقض حقوق مالکیت‌های فکری. بسیاری از کشورها بر این عقیده‌اند که اختلافات راجع به ثبت، صحت، بطلان و فسخ حقوق ثبت شده باید تابع صلاحیت انحصاری باشد تا بدین وسیله از تعهد به شناسایی یا اجرای احکام راجع به ثبت، صحت و اعتبار و بطلان و فسخ حقوقی که بر اساس قوانین ملی آنها ایجاد شده است، اجتناب کنند.

کمیسیون خاص کنفرانس لاهه، تصمیم گرفت تا کی‌رایت و حقوق مرتبط را از شمول بند چهار ماده ۱۲ کنوانسیون لاهه خارج سازد زیرا تودیع یا ثبت، برای این حقوق، الزامی نیست. این امر می‌تواند سبب پیدایش مشکلاتی در اعمال قاعده شود، نظیر مسائلی که در محلی (سرزمینی) ساختن کی‌رایت مطرح است. به طور کلی هیچ‌گونه حمایتی جهت گنجاندن کی‌رایت در بند چهار ماده مزبور وجود ندارد. شاخص‌های جغرافیایی، نام‌های تجاری و نام‌ها نیز از شمول کنوانسیون مستثنی

شده‌اند. این استدلال نیز که حقوق مذکور به دلیل الزام‌آور نبودن تودیع یا ثبت آنها باید از شمول کنوانسیون خارج شوند، متقاعدکننده نیست. زیرا علائم تجاری نیز ضرورتاً نیاز به ثبت ندارد در حالی که در بند چهار ماده ۱۲ گنجانده شده‌اند. با حذف صلاحیت انحصاری برای حقوق مالکیت‌های فکری می‌توان به همان نتیجه دست یافت. بدین نحو که صلاحیت برای رسیدگی به اختلافات مالکیت‌های فکری باید در مواد ۳، ۶ یا ۱۰ کنوانسیون لاهه جست‌وجو شود و در عوض یک استثنای اضافی بر تعهد به شناسایی و اجرای احکام خارجی در موارد محدود ایجاد گردد. برای مثال، یک شرکت ژاپنی، مالک یک حق اختراع ژاپنی است که بدون اخذ اجازه لازم، توسط یک شرکت سوئدی مورد استفاده قرار می‌گیرد. شرکت سوئدی درصدد است تا از دعوی مطالبه خسارت که به وسیله شرکت ژاپنی طرح‌شده اجتناب نموده و شرکت مذکور را به خاطر اعلان عدم صحت و اعتبار حق اختراعش در سوئد، بر مبنای ماده ۱۰ کنوانسیون لاهه مورد تعقیب قرار دهد. هنگامی که شرکت سوئدی حکم دلخواه خود را به دست می‌آورد، درصدد شناسایی آن حکم در ژاپن بر می‌آید. دادگاه‌های ژاپنی مکلف به شناسایی تصمیم دادگاه سوئد درباره صحت و اعتبار حق اختراع ژاپنی هستند. برای اجتناب از چنین امری، یک مبنای اضافی برای خودداری از شناسایی، باید در بند یک ماده ۲۸ کنوانسیون لاهه گنجانده شود.

۲-۴-۳. انحصاری بودن: حتی اگر اقامتگاه معمولی هر دو طرف اختلاف در یک کشور باشد از بند چهار ماده ۱۲ کنوانسیون لاهه نمی‌توانند عدول کنند. همچنین طرفین نمی‌توانند راجع به انتخاب دادگاهی توافق کنند که از ماده ۱۲ کنوانسیون لاهه انحراف داشته باشد. بدین‌سان طرفین متعاقد درباره اینکه در کجا مورد تعقیب قرار خواهد گرفت تردید دارند؛ زیرا تحت برخی اوضاع و اصول و شرایطی که ذیلاً بررسی شده است می‌توان یک دعوی را در کشورهای مختلف اقامه کرد. کنوانسیون لاهه روشن نمی‌کند که آیا بند چهار ماده ۱۲ نسبت به اختلاف میان طرفین متعاقد درباره آن دسته از حقوق مالکیت‌های فکری که در یکی از کشورهای غیرمتعاقد به

ثبت رسیده است قابل اعمال است یا نه.

به طور کلی منافع اعطای صلاحیت انحصاری آن است که دارنده حقوق مالکیت‌های فکری می‌تواند کار را درباره حقوق مورد اختلاف «به پایان رساند» و اینکه دارندگان حقوق مذکور می‌توانند در مورد هزینه‌های دادرسی صرفه‌جویی کنند و از این فرصت نیز برخوردارند که دعاوی خود را ادغام کنند. نفع دیگر آن است که حق انتخاب مساعدترین دادگاه محدود می‌شود.

۳-۴-۳. حقوق ثبت‌شده: یک مثال از حقوق مالکیت‌های فکری که تودیع یا ثبت آنها الزامی نیست، علامت تجاری تابع کامن‌لا می‌باشد که به صرف استفاده، موجودیت پیدا می‌کند. برای مثال اگر یک شرکت مکزیکی یک علامت کامن‌لای امریکایی را در امریکا نقض می‌کند، شرکت امریکایی مالک علامت می‌تواند شرکت مکزیکی را در امریکا مورد تعقیب قرار دهد. ولی اگر شرکت امریکایی ادعا کند که دارای یک علامت تجاری است که مشابه همان علامت تجاری کامن‌لا است و در مکزیک به ثبت رسیده است، دادگاه‌های مکزیکی صلاحیت انحصاری برای رسیدگی خواهند داشت. این امر به زیان حمایت از علائم کامن‌لای امریکا است. اگر شرکت امریکایی بخواهد دعوایی علیه شرکت مکزیکی که علامت تجاری کامن‌لای را در امریکا نقض کند، اقامه کند نمی‌تواند این کار را بر مبنای بند چهار ماده ۱۲ کنوانسیون لاهه انجام دهد؛ زیرا، علامت تجاری متنازع‌فیه به ثبت نرسیده است. شاید مفاد مواد ۶ یا ۱۰ کنوانسیون لاهه درباره قراردادها یا مسؤولیت‌های مدنی بتواند صلاحیت دادگاه‌های امریکا را اثبات کند؛ و الاً شرکت امریکایی باید شرکت مکزیکی را بر مبنای ماده سه کنوانسیون لاهه در مکزیک مورد تعقیب قرار دهد.

مثال‌هایی از حقوق مالکیت‌های فکری که ثبت آنها الزام‌آور نیست یعنی در مورد آنها، ثبت، فقط اثر اعلامی دارد عبارتند از علائم تجاری خارجی و علائم تجاری مشهور، که ممکن است در ایالات متحده مطابق با ماده ۴۴ و بند سه ماده ۴۳ قانون Lanham ثبت شده باشند.

۳-۴-۴. **دفاع، دعوی متقابل:** در حالی که بند چهار ماده ۱۶ کنوانسیون بروکسل به دعاوی راجع به ثبت یا صحت و اعتبار حقوق مالکیت‌های فکری ثبت‌شده مربوط می‌شود، بند چهار ماده ۱۲ کنوانسیون لاهه به دعاوی ای می‌پردازد که موضوع آنها ثبت، صحت و اعتبار، بطلان یا فسخ یا نقض حقوق مالکیت‌های فکری ثبت شده است. کنوانسیون لاهه روشن نمی‌سازد که «موضوع» دعوی چگونه معین خواهد شد. موضوع دعوی را می‌توان به عنوان مسأله «عمده» یا «اصلی» دعوی تعریف کرد. دشواری روشن این ضابطه آن است که مسائل عمده یا اصلی در رسیدگی‌ها، همیشه، روشن نیست. ضابطه دیگری که پیشنهاد شده آن است که موضوع دعوی باید در دعوی که نزد دادگاه مطرح می‌شود، تعیین شود.

با فرض پذیرش اینکه «موضوع» رسیدگی‌ها باید با دعوی تعیین شود نتیجه آن خواهد شد که دادگاهی که دعوی نزد آن اقامه شده است، صلاحیت ارزیابی صحت و اعتبار حقوق مالکیت‌های ثبت‌شده را هر زمان که این مسأله در مقام دفاع یا به عنوان دعوی طاری مطرح شود، داشته باشد. برای مثال اگر یک دعوی راجع به نقض یک حق اختراع اسپانیایی در یک دادگاه چینی مطابق با بند چهار ماده ۱۶ کنوانسیون لاهه اقامه شود و خواننده ادعا کند که حق اختراع معتبر نیست، دادگاه چینی صحت و اعتبار حق اختراع اسپانیایی را مورد ارزیابی قرار خواهد داد. اگر دادگاه چینی به نفع خواننده حکم دهد و خواننده بخواهد تصمیم دادگاه چینی در اسپانیا مورد شناسایی قرار گیرد، دادگاه‌های اسپانیا باید حکم مذکور را بر مبنای بند یک ماده ۲۵ کنوانسیون مورد شناسایی قرار دهند. مطلوب بودن چنین نتیجه‌ای در آینده مورد بحث قرار خواهد گرفت.

سیاق عبارتی بند چهار ماده ۱۲ کنوانسیون لاهه یک تمایز میان ادعای عدم اعتبار حقوق مالکیت‌های فکری در مقام دفاع و همان ادعا در مقام دعوی متقابل را نشان می‌دهد. اگر مسأله عدم اعتبار، به عنوان دفاع مطرح شود و دادگاه ذی‌ربط این مسأله را به هنگام تصمیم‌گیری درباره دعوی، یک مسأله طاری تلقی کند، حکمی که صادر شود تنها میان طرفین اثر خواهد داشت. در مورد اشخاص ثالث وضعیت حقوق مالکیت‌های فکری تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. اگر مسأله عدم اعتبار حق در

مقام دعوای متقابل طرح شود، موضوع رسیدگی‌های راجع به دعوای متقابل، صحت و اعتبار حقوق مالکیت‌های فکری خواهد بود و این امر بدین معناست که صلاحیت انحصاری به دادگاه محلی اعطا شده که حقوق مالکیت‌های فکری مورد بحث در آنجا به ثبت رسیده است. اگر این دادگاه، دعوای متقابل را تأیید کند در این صورت حکمی که نسبت به عدم اعتبار حقوق مالکیت‌های فکری صادر می‌کند، نه تنها برای طرفین دعوی، بلکه برای دیگران نیز الزام‌آور خواهد بود. این امر بدین معناست که رسیدگی‌هایی که ضمن آنها دعوای متقابل نسبت به صحت و اعتبار حق، طرح می‌شود ممکن است در دادگاهی صورت بگیرد که از دادگاه صادرکننده حکم اولیه، متفاوت می‌باشد. لذا، این امر نتیجه عملی در خور ملاحظه‌ای دارد که بدانیم آیا صحت و اعتبار حقوق مالکیت‌های فکری به وسیله دفاع مورد ایراد و جرح قرار می‌گیرد یا به وسیله دعوای متقابل. بر عکس، بند چهار ماده ۱۶ کنوانسیون بروکسل بین مسأله صحت و اعتبار حقوق مالکیت‌های فکری ثبت‌شده در مقام دفاع یا در مقام دعوای متقابل و یا در مقام سؤال طاری تمایزی قائل نمی‌شود.

۳-۴-۵. نقض: درج دعوای راجع به نقض در بند چهار ماده ۱۲ کنوانسیون لاهه با توجه به یک متن پیشنهادی صورت گرفت که خود آن متن مورد تصویب قرار نگرفت. اگر دعوای نقض خارج از شمول ماده مذکور قرار گیرد، دارندگان حقوق مالکیت‌های فکری می‌توانند بر مبنای ماده ۱۰ یا ۳ کنوانسیون لاهه طرح دعوی کنند. این امر نمی‌تواند منجر به بهبود وضعیت موجود شود که در آن هزینه‌های حل و فصل دعوی یک مسأله مهم قلمداد می‌شود. همچنین در این‌گونه موارد، دادگاه کشوری که حقوق مزبور در آنجا به ثبت رسیده است ضرورتاً حقوق مالکیت‌های فکری را مورد ارزیابی قرار نمی‌دهد. این امر، دلیلی در جهت پذیرش پیشنهاد گنجاندن دعوای راجع به نقض در بند چهار ماده ۱۶ می‌باشد. به عبارت دیگر ادعا می‌شود که قرار دادن دعوای راجع به نقض در بند صلاحیت‌های انحصاری، منجر به صلاحیت انحصاری دادگاه‌های مختلفی خواهد شد که به ارزیابی نقض حقوق مالکیت‌های فکری ثبت‌شده در بیش از یک کشور اقدام می‌کنند. این نتیجه

دشواری‌های زیادی را در زمینه نقض علائم تجاری از طریق اینترنت ایجاد می‌کند. همچنین در برخی کشورها می‌توان دعاوی راجع به نقض حقوق مالکیت‌های فکری را به داوری ارجاع داد به گونه‌ای که دادگاه‌های کشوری که حقوق مالکیت‌های فکری در آنجا به ثبت رسیده است از صلاحیت محروم می‌شوند. همین طور، صلاحیت انحصاری برای دادگاه‌های خارجی باید پذیرفته شود. این سخنان، دلایلی علیه پیشنهاد گنجاندن دعاوی راجع به نقض در بند چهار ماده ۱۲ است. بحث و بررسی‌ها هنوز منجر به اتفاق نظر درباره این مسأله نشده است که آیا نقض، باید در بند چهار ماده ۱۲ کنوانسیون لاهه گنجانده شود یا نه.

۳-۴-۶. حق اختراعات، علائم تجاری: امروزه، علائم تجاری و حق اختراعات به نحو یکسانی مشمول بند چهار ماده ۱۲ کنوانسیون لاهه قلمداد می‌شود. می‌توان ادعا کرد که با علائم تجاری باید متفاوت از حق اختراعات معامله کرد. زیرا به لحاظ قلمرو شمول در مقایسه با حق اختراعات سرزمینی‌تر بوده و نیاز به بررسی بیشتر و کاملتری دارند. همچنین هنگام ارزیابی دعوی نقض یک اختراع، دادگاه باید صحت و اعتبار آن حق را به طور کلی مورد بررسی قرار دهد در حالی که در دعاوی راجع به نقض علائم تجاری، صحت و اعتبار علامت تجاری عموماً مفروض است. سرانجام آنکه اعطای حق اختراعات تابع ملاحظات ناشی از نظم عمومی است. به عبارت دیگر دعاوی نقض حق اختراعات و علائم تجاری با مسائل مشابهی مواجه است و معلوم نیست که بر چه اساسی (و چگونه) علائم تجاری باید متفاوت از حق اختراعات قلمداد شود.

اگر علائم تجاری، مشمول بند چهار ماده ۱۲ کنوانسیون لاهه محسوب شوند نتیجه آن خواهد شد که صلاحیت انحصاری دادگاه‌های متعدد مطرح شود، زیرا بیشتر علائم تجاری در چند کشور به ثبت می‌رسد. همین نتیجه در زمینه علائم تجاری ثبت‌شده مطابق با موافقت‌نامه مادرید یا پروتکل مادرید یا مطابق با یک علامت تجاری جامعه اروپا ظاهر می‌شود. این امر، تعیین مساعدترین دادگاه را تشویق کرده و مانع ادغام دعاوی می‌شود. همچنین با توجه به اینکه ماده ۲۱

کنوانسیون لاهه مقرر می‌دارد که رسیدگی‌های بعدی تا زمانی که دادگاهی که برای نخستین بار دعوی در آن طرح شده، حکم خود را صادر نکرده است متوقف خواهد بود، ممکن است سبب تشویق طرفین به طرح دعوی در دادگاهی شود که برای آنها مطلوب است. برای مثال مالک یک علامت تجاری امریکایی در نظر دارد که علیه یک شرکت فرانسوی که علامت تجاری وی را نقض می‌کند، طرح دعوی کند. شرکت فرانسوی پیش دستی کرده و پیش از آنکه مالک علامت تجاری امریکایی در امریکا طرح دعوی کند، علیه وی در فرانسه اقامه دعوی می‌کند و ادعای عدم صحت و اعتبار علامت تجاری متنازع‌فیه را مطرح می‌سازد. مطابق با بند چهار ماده ۱۲ کنوانسیون لاهه، دادگاه فرانسه دارای صلاحیت انحصاری است زیرا موضوع چنین دعوایی عبارت است از صحت و اعتبار یک علامت تجاری. اگر مالک علامت تجاری امریکایی متعاقباً دعوایی را در ایالات متحده امریکا طرح کند، دادگاه‌های این کشور باید رسیدگی را متوقف سازند.

۷-۴-۳. بند پنج و شش ماده ۱۲: بند پنج و شش ماده ۱۲ کنوانسیون لاهه، اخیراً شاهد پیشنهادهایی بود. مطابق با بندهای مذکور:

«۵. در رابطه با دعاوی‌ای که موضوعشان نقض علائم تجاری است، بند قبلی صلاحیت هیچ یک از کشورهای تابع کنوانسیون یا تابع حقوق ملی یکی از کشورهای متعاقد را نفی نمی‌کند.
۶. بندهای قبلی هنگامی که مطالب مذکور در اینجا به عنوان پرسش‌های طاری مطرح می‌شوند قابل اعمال نمی‌باشند».

بند پنج ماده ۱۲، به دلیل ابهام آن مورد انتقاد واقع شده است. با تکیه بر متن نهایی بند چهار ماده ۱۲ کنوانسیون لاهه، دو معنای متفاوت از ماده مذکور استنباط می‌شود. اگر بند چهار ماده ۱۲، نسبت به دعاوی راجع به نقض و دعاوی راجع به صحت و اعتبار، صلاحیت انحصاری اعطا کند، در این صورت بند پنج ماده ۱۲،

مقرر می‌دارد که صلاحیت تخییری برای دعاوی ای خواهد بود که متضمن نقض علائم هستند. مسأله‌ای که در ایجاد صلاحیت برای بیش از یک دادگاه وجود دارد، این خطر فزاینده است که احکام راجع به موضوعات واحد، با هم متعارض باشند و طرفین متداعین به تعیین مساعدترین دادگاه روی آورند. اگر بند چهار ماده ۱۲، شامل صلاحیت انحصاری جهت رسیدگی به دعاوی نقض نشود، در این صورت بند پنج آن ماده، تنها هدفی که خواهد داشت آن است که مشخص سازد که دعاوی نقض حق اختراعات نباید ضرورتاً متضمن [رسیدگی به] صحت و اعتبار حق اختراعات باشند. لذا به موجب کنوانسیون لاهه، نظر دادگاه‌های انگلستان بدان‌گونه که در قضیه Fort Dodge اتخاذ شده قابل پذیرش نمی‌باشد.

بند شش ماده ۱۲ روشن می‌سازد که مسائل تبعی درباره صحت و اعتبار یا نقض حق اختراعات، علائم تجاری، طرح‌ها و دیگر حقوق مشابه تابع صلاحیت انحصاری پیش‌بینی‌شده در بند چهار ماده ۱۲ نیستند. اگر برای موضوعات صحت و اعتبار و مسائل تبعی به یک دادگاه صلاحیت انحصاری اعطا شود در این صورت طرفین احتمالاً ملزم خواهند بود که اختلاف خود را نزد دادگاه‌های متفاوتی طرح کنند.

یک دادگاه می‌تواند صلاحیت انحصاری داشته باشد تا پرسش تبعی درباره صحت و اعتبار حقوق مالکیت‌های فکری را مورد ارزیابی قرار دهد و دادگاه دیگر صلاحیت خواهد داشت تا درباره پرسش اصلی نظیر پرسش راجع به نقض، تصمیم‌گیری کند. چنین نتیجه‌ای عموماً نامطلوب تلقی می‌شود.

اگر در دعاوی مطرح‌شده، موضوع آن نیز مشخص شده باشد در این صورت، همان ادعا پرسش اصلی خواهد بود و دفاع نیز ضرورتاً عبارت خواهد بود از یک پرسش تبعی. برای مثال، اگر یک ادعایی به جهت نقض خطاکارانه یک قرارداد که به موجب آن، امتیاز یک علامت تجاری واگذار شده است، در نزد دادگاهی که بر مبنای ماده ۱۰ صلاحیت دارد طرح شود و خواننده ادعای عدم صحت و اعتبار علامت تجاری را عنوان کند در این صورت بند چهار ماده ۱۲ قابل اعمال نخواهد بود.

۳-۵. تفسیر

یکی از مشکلات واضح کنوانسیون لاهه، عدم پیش‌بینی یک دادگاه فوق ملی است که بتواند یکنواختی و وحدت حقوق و تصمیمات دادگاه‌هایی که کنوانسیون لاهه را تفسیر می‌کنند، تأمین و صیانت کند. برای مثال، چگونه می‌توان امری را به عنوان قرارداد، توصیف کرد و مشمول ماده ۶ دانست یا به عنوان مسئولیت مدنی تفسیر کرد و مشمول ماده ۱۰ تلقی نمود؟ با وجود این روشن است که مسأله توصیف، تنها مشکل آن دادگاهی است که ارزیابی می‌کند آیا واجد صلاحیت است یا نه. زیرا دادگاهی که شناسایی یا اجرای یک حکم از آن خواسته شده است درصدد ارزیابی مجدد موضوع بر مبنای ماده ۲۷ کنوانسیون لاهه بر نمی‌آید.

دادگاه‌های ملی که تفسیر کنوانسیون لاهه از آنها خواسته شده، ممکن است رهنمودهایی را در تصمیمات دیوان دادگستری اروپا درباره کنوانسیون بروکسل بیابند. به عنوان یک راه‌حل (جزئی)، پیشنهاد شده است که دادگاه‌های خارجی سؤالات مصدقی را برای مثال از مؤسسات اداری متصدی اعطاء حق اختراع یا ثبت اختراعات نظیر دفتر حق اختراعات اروپایی بپرسد.

۳-۶. ارتباط با دیگر کنوانسیون‌ها

نهایتاً کنوانسیون لاهه شامل مقرراتی است درباره اینکه کدام یک از اسناد بین‌المللی آن ترجیح دارند. اخیراً سه پیشنهاد برای تهیه متن این بخش از کنوانسیون (ماده ۳۷ کنوانسیون لاهه) ارائه شده است. به نظر می‌رسد که کنوانسیون بروکسل، کنوانسیون حق اختراع اروپایی و مقررات راجع به علامت تجاری جامعه اروپا بر کنوانسیون لاهه تقدم خواهند داشت.

۴. عهدنامه پیشنهادی راجع به مالکیت فکری

۴-۱. مقدمه

در روزهای سی‌ام و سی‌ویکم ژانویه ۲۰۰۱، یک متن پیشنهادی برای کنوانسیون راجع به صلاحیت و شناسایی احکام در دعاوی مالکیت‌های فکری ارائه شد. عقیده

موجود [در این پیشنهاد] عبارت است از تشویق به مباحثه درباره مطلوبیت یک عهدنامه بین‌المللی که دعاوی مالکیت‌های فکری را تحت پوشش قرار می‌دهد. منافع یک عهدنامه خاص و جداگانه آن است که چنین عهدنامه‌ای می‌تواند بیشتر بر کارآمدی دعاوی مالکیت‌های فکری تمرکز کرده و جنبه‌های منحصر به فرد این‌گونه دعاوی را نیز مورد توجه قرار دهد. نفع دیگر نیز آن است که عضویت در این عهدنامه می‌تواند به کشورهایی محدود شود که عضو سازمان تجارت جهانی (WTO) هستند.

۲-۴. قلمرو شمول

مشکل خاص یک کنوانسیون راجع به صلاحیت و احکام در امور مربوط به مالکیت‌های فکری، احتمالاً تعیین قلمرو آن کنوانسیون خواهد بود. قلمرو شمول عهدنامه راجع به مالکیت‌های فکری عبارت است از «کپی‌رایت، حقوق مرتبط، حق اختراعات، علائم تجاری و دیگر حقوق مالکیت‌های فکری که مشمول موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های تجاری مالکیت‌های فکری و موافقت‌نامه‌های بعدی آن می‌باشند». دادگاه‌ها ممکن است در تصمیم‌گیری راجع به اینکه آیا حقوق مورد اختلاف را می‌توان به عنوان حقوق مذکور توصیف کرد یا نه با مشکل مواجه شوند. این مشکل ممکن است به حقوق مالکیت‌های فکری ثبت‌شده محدود شود زیرا این حقوق مستلزم انجام اعمالی توسط یک حکومت یا مؤسسات حکومتی است. با وجود این در مورد حقوق ثبت‌نشده‌ای نظیر کپی‌رایت و حقوق مرتبط این چنین نیست. می‌توان رهنمودهایی را از طریق تعیین موضوع اصلی دعوی نزد دادگاه، در مقابل پرسش‌های تبعی پیدا کرد.

مطابق با قواعد سنتی حل تعارض، دادگاهایی که حل و فصل یک اختلاف از آنها خواسته شده است، قوانین ملی خود را برای پاسخ به این سؤال اعمال خواهند کرد که آیا اختلاف در قلمرو شمول عهدنامه حقوق مالکیت معنوی قرار می‌گیرد یا نه. قوانین ملی مذکور ممکن است تا حد زیادی با یکدیگر اختلاف داشته باشند. در عهدنامه حقوق مالکیت معنوی این مشکل با توجه به فقدان پیش‌بینی یک دادگاه

فوق ملی جهت تأمین یکنواختی و وحدت تفاسیر راجع به عهدنامه حقوق مالکیت معنوی، چاره‌سازی نشده است.

۴-۲-۱. حق اختراعات: برای مدت‌ها، مقررات راجع به حق اختراع در بین‌الهللین عهدنامه حقوق مالکیت معنوی قرار گرفته بود و این امر بدان معنا بود که حقوق اختراع از شمول عهدنامه مذکور خارج هستند. یکی از دلایل این امر آن است که دعاوی راجع به حق اختراع متضمن امور حکمی و موضوعی دشوار به لحاظ فنی هستند اموری که حل آنها مستلزم یک کارشناسی دقیق می‌باشند. برای مثال، در امریکا، دادگاه‌های استیناف در میان دادگاه‌های فدرال، برای رسیدگی به استیناف از دعاوی راجع به حق اختراع ایجاد شده‌اند. در اتحادیه اروپا اختلافات راجع به صحت و اعتبار حق اختراع باید نزد دادگاه‌های کشوری اقامه شود که به موجب بند چهار ماده ۱۶ کنوانسیون بروکسل مشخص می‌شود. قوانین ملی آن کشور ممکن است یک دادگاه تخصصی را برای ارزیابی اختلافات راجع به حق اختراع تعیین کند. برای مثال در کشور هلند، اختلافات راجع به حق اختراع، علی‌الاصول باید در دادگاه بخش لاهه اقامه شوند. در همین زمینه ایجاد یک عهدنامه که به موجب آن، دادگاه‌های یک کشور صلاحیت رسیدگی به اعتبار و صحت حق اختراعات خارجی را داشته باشند، نامطلوب شناخته شده است.

۴-۲-۲. نام حوزه‌ها: نام حوزه‌ها در حال بررسی است تا در مورد گنجاندن آنها در عهدنامه تصمیم‌گیری شود. هرچند که نام حوزه‌ها به گونه‌ای نیستند که مشمول موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت‌های فکری باشند.

۴-۳. قرارداد

عقیده غالب عهدنامه حقوق مالکیت معنوی، همان طور که در ماده ۳ منعکس شده آن است که خواننده باید در دادگاه کشور محل اقامتگاه عادی‌اش مورد تعقیب قرار گیرد. مفهوم اقامت معمولی بغیر از بند دو ماده ۳، در جای دیگر توضیح داده نشده

است. و همین امر احتمالاً به تشتت آراء میان کشورهای عضو عهدنامه حقوق مالکیت معنوی که قرار است به آن ملحق شوند منجر خواهد شد.

ماده ۷ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی، یک صلاحیت اضافی نسبت به قراردادهای راجع به حقوق مالکیت‌های فکری برای کشورهای ایجاد می‌کند که حقوق آنها مشمول موافقت‌نامه می‌باشد. به علاوه ممکن است یک دعوی نزد دادگاه کشوری طرح شود که مهمترین ارتباط با قرارداد را دارد. بند دو ماده ۷، عواملی را می‌شمارد که باید به هنگام احراز اینکه کدام کشور مهمترین ارتباط را دارد، مورد توجه قرار گیرد. محل اقامت طرفین، کشوری که حقوق مالکیت‌های فکری در آنجا توسعه یافته (پردازش شده) و کشوری که تعهد اصلی ناشی از قرارداد در آنجا باید اجرا شود، در زمره عوامل پیش‌بینی شده هستند. ماده ۷ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی از بند یک ماده ۵ کنوانسیون بروکسل و ماده ۶ کنوانسیون لاهه عدول کرده و صلاحیت را به کشوری اعطا می‌کند که تعهد اصلی ناشی از قرارداد باید در آنجا اجرا شود. این اعطای صلاحیت به دلیل ایجاد صلاحیت برای دادگاه‌های متعدد، در دعاوی مالکیت‌های فکری مشکل‌ساز تلقی شده است. علاوه بر این، ماده ۷ مسائل دشوار دیگری نیز ایجاد می‌کند: اول آنکه، معلوم نیست چه زمانی یک قرارداد «مربوط به» مالکیت‌های فکری می‌باشد و چه زمانی قوانین کشورها «مشمول» قرارداد ذی‌ربط می‌باشند. در مورد قراردادهای راجع به امتیاز مالکیت‌های فکری، تردید چندانی وجود ندارد که قرارداد مذکور به مالکیت‌های فکری مربوط هستند. مثالی از یک قرارداد برای فروش اموال تجاری از جمله فروش حقوق مالکیت‌های فکری یا قراردادهای واگذاری امتیاز که محل وقوع آنها چند کشور است، چندان مشخص نیست. چه ارتباطی بین کشورها و حقوق مالکیت‌های فکری لازم است؟ آیا حقوق مالکیت‌های فکری باید در آن کشورها توسعه یافته باشند؟ آیا یک علامت تجاری تابع نظام کامن‌لاکه با صرف استفاده به وجود می‌آید باید ایجاد شده در یک کشور خاص تلقی شود؟ دعوای راجع به علامت تجاری جامعه اروپا، در کدام کشورها می‌تواند اقامه شود؟ دوم آنکه ماده ۷ ممکن است منجر به صلاحیت دادگاه‌های متعددی شود. یعنی نه تنها می‌توان دعوی را در کشور

محل اقامت خواننده اقامه کرد بلکه در مورد قرارداد مربوط به مالکیت‌های فکری در هر کشوری که حقوق مالکیت‌های فکری آن تحت پوشش قرارداد می‌باشد نیز قابل طرح است. علاوه بر این، دادگاه‌های کشوری که مهمترین ارتباط با قرارداد را دارد نیز حائز صلاحیت هستند. سوم آنکه کشوری که مهمترین ارتباط را با قرارداد دارد به دشواری قابل شناسایی است. برای مثال در مورد فروش و انتقال دارایی‌های تجاری، حقوق مالکیت‌های فکری از کشورهای زیادی سرچشمه گرفته و اجرای تعهد اصلی (انتقال دارایی) باید در کشورهای مختلفی صورت بگیرد.

طرفین یک قرارداد می‌توانند از مقررات راجع به صلاحیت عام با استفاده از شرط انتخاب دادگاه یا شرط داوری عدول کنند. دادگاه انتخاب‌شده یا محکمه داوری مطابق ماده ۴ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی دارای صلاحیت انحصاری خواهد بود.

۴-۴. مسئولیت مدنی

ماده ۶ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی، به دعاوی راجع به نقض می‌پردازد. تعریفی از «دعای نقض» ارائه نشده است. تفاسیر ممکن از این دعاوی آن است که عبارتند از دعاوی‌ای که موضوع آنها یعنی ادعای مطرح‌شده در آنها به نقض حقوق مالکیت‌های فکری معطوف است. در چنین صورتی شاکی می‌تواند با ادعای نقض، مبنایی برای صلاحیت ایجاد کند. دفاع از عدم اعتبار و صحت حقوق مالکیت‌های فکری نمی‌تواند صلاحیت دادگاه انتخاب‌شده را تحت‌الشعاع قرار دهد. لذا نظیر کنوانسیون لاهه، عهدنامه حقوق مالکیت معنوی بین عدم صحت و اعتبار در مقام دفاع و در مقام دعاوی متقابل تمایزی قائل نشده است.

البته، اگر دعوی نقض همان‌طور که کنوانسیون بروکسل تعریف کرده است به عنوان دعوایی اقامه شود که «به نقض مربوط می‌شود» نتیجه متفاوت خواهد بود. در این صورت چنانچه مسأله عمده یا اصلی دعوی، نقض باشد دادگاه دیگری نیز قابل رجوع نیست. در این مورد که دعوی شاکی به عنوان یک دعوی طاری به نقض مربوط می‌شود ماده ۶ قابل اعمال نیست.

دادگاه‌های پیش‌بینی شده در ماده ۶ اساساً با دادگاه‌هایی که در کنوانسیون لاهه و کنوانسیون بروکسل پیش‌بینی شده و احکامشان مورد تفسیر دیوان دادگستری اروپا واقع شده، متفاوت است. دعاوی نقض حقوق قابل طرح در (الف) هر کشوری هستند که خوانده اساساً در آنجا بیشترین نقض ادعایی را مرتکب شده یا (ب) هر کشوری که نقض به صورت عمدی به آنجا هدایت شده، یا (ج) هر کشوری که در آن کشور نقض به صورت قابل پیش‌بینی رخ داده است. ضابطه قابل پیش‌بینی بودن در جزء c بند یک ماده ۶، لازم نمی‌دارد که وقوع نقض، عرفاً در یک کشور خاص قابل پیش‌بینی باشد. همان انتقاداتی که بر کنوانسیون لاهه وارد بود در اینجا نیز قابل طرح است. یعنی ضابطه مذکور مبهم است و نمی‌تواند پاسخ‌گوی ضابطه پیش‌بینی شده در قانون اساسی امریکا باشد.

بندهای دوم و سوم ماده ۶ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی مقرر می‌دارد که اگر دعوایی بر مبنای جزءهای c یا b ماده ۶ اقامه شود، صلاحیت دادگاهی که دعوی در آنجا اقامه شده محدود به خساراتی خواهد بود که از استفاده‌ای غیرمجاز ناشی شده که در کشور مقر دادگاه صورت گرفته است. در رابطه با محدودیت‌های راجع به قابل دسترسی بودن دادگاه‌های اضافی که در بندهای دو و سه ماده ۶ پیش‌بینی شده می‌توان گفت که اینها بسیار مضیق هستند. به ویژه اگر برای مثال پیچیدگی‌های نقض علائم تجاری در اینترنت را مورد توجه قرار دهیم به صدق این سخن بیشتر پی‌می‌بریم.

۴-۵. صلاحیت انحصاری

عهدنامه حقوق مالکیت معنوی بین حقوق مالکیت‌های فکری ثبت شده و ثبت نشده تمایز قائل نشده است. برای مثال، هیچ‌گونه مبنایی برای صلاحیت دادگاه‌های کشوری که حقوق مالکیت‌های فکری در آنجا تودیع شده یا به ثبت رسیده قائل نشده است. این امر بدان معناست که دادگاه‌های کشور A می‌تواند برای رسیدگی به اختلافات راجع به آن دسته از حقوق مالکیت‌های فکری که در کشور B تثبیت شده‌اند یا گسترش یافته‌اند صلاحیت داشته باشد. این نتیجه، عدول از رویه موجود

به شمار می‌رود و احتمالاً با انتقادات بسیاری مواجه خواهد شد.

نویسندگان عهدنامه حقوق مالکیت معنوی، درباره اینکه آیا متنی راجع به صلاحیت انحصاری در دعاوی ناشی از حق اختراع در شمول عهدنامه مذکور گنجانده شود یا نه بحث و بررسی کرده‌اند. بند دو ماده ۸ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی، یک شرط صلاحیت انحصاری برای رسیدگی‌هایی که موضوع آنها به دست آوردن اعلان اعتبار یا بطلان ثبت یک حق اختراع می‌باشد، در بین‌الهالین قرار داده است. دادگاه‌های کشوری که تودیع یا ثبت از آنجا درخواست شده یا در آنجا صورت گرفته یا مطابق با مفاد یک کنوانسیون بین‌المللی فرض می‌شود که در آنجا صورت گرفته، دارای صلاحیت انحصاری هستند. اگر عدم صحت و اعتبار حق اختراع در یک اختلاف و در مقام دفاع در برابر یک ادعا ارائه شود در این صورت دادگاه‌های کشور محل ثبت فاقد صلاحیت انحصاری خواهند بود. لذا این امر که آیا عدم صحت و اعتبار یا بطلان یک حق اختراع به عنوان یک دفاع مورد استناد واقع شده است یا اینکه مبنای یک دعوی متقابل می‌باشد، نتیجه را متفاوت می‌کند. برای مثال یک شرکت انگلیسی که یک حق اختراع ژاپنی را نقض می‌کند به وسیله مالک حق اختراع و به استناد مواد ۳ یا ۶ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی در انگلستان مورد تعقیب قرار می‌گیرد. اگر شرکت انگلیسی این‌گونه دفاع کند که حق اختراع ژاپنی غیرمعتبر است، دادگاه انگلیسی درباره مسأله صحت و اعتبار نیز تصمیم‌گیری خواهد کرد. اما اگر شرکت انگلیسی دعوی متقابلی را بر مبنای عدم اعتبار حق اختراع مطرح کند، این دعوی باید به موجب بند دو ماده ۸ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی نزد محاکم ژاپن طرح شود.

جزء b بند پنج ماده ۱۲ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی، یک استثناء را نسبت به صلاحیت انحصاری پیش‌بینی شده در بند دوم ماده ۸ ایجاد می‌کند. جزء b بند پنج ماده ۱۲ مقرر می‌دارد که اگر شاکی نزد دادگاهی که برای رسیدگی به دعوی نخستین بار به آنجا مراجعه شده است، درصدد اثبات این امر باشد که او هیچ‌گونه تعهدی در برابر خواننده بر عهده ندارد و اگر دعوی که هدف آن مطالبه خسارات ماهوی است در نزد دادگاهی که رجوع دوم به آنجا صورت گرفته است، مطرح شود، دادگاه

نخست باید بنا به درخواست هریک از طرفین، رسیدگی را معلق کند؛ مشروط بر اینکه پیش‌بینی شود تصمیمی که دادگاه دوم صادر خواهد کرد به موجب عهدنامه قابل شناسایی است. برای مثال، یک شرکت کانادایی دعوایی را در کانادا برای اعلان بی‌اعتباری یک حق اختراع کانادایی متعلق به یک شرکت فرانسوی اقامه می‌کند. بعداً شرکت فرانسوی علیه شرکت کانادایی در فرانسه دعوی نقض اقامه می‌کند که شرکت کانادایی در این دعوی عدم اعتبار حق اختراع را به عنوان دفاع مطرح می‌کند. در چنین وضعیتی بند دو ماده ۸ به دادگاه کانادا صلاحیت انحصاری جهت ارزیابی صحت و اعتبار حق اختراع اعطا نمی‌کند تا دادگاه‌ها فرانسه بتوانند حکمی در این باره که به موجب عهدنامه حقوق مالکیت معنوی از قابلیت شناسایی برخوردار است صادر کنند. دادگاه کانادایی باید مطابق با جزء b بند پنج ماده ۱۲ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی رسیدگی را متوقف سازد. لذا اگر قرار باشد که عهدنامه حقوق مالکیت معنوی شامل صلاحیت انحصاری پیش‌بینی‌شده در بند دو ماده ۸ باشد، خوانده می‌تواند با طرح بعدی یک دعوی نقض، از این صلاحیت بگریزد.

۴-۶. ارتباط با دیگر کنوانسیون‌ها

تاکنون عهدنامه حقوق مالکیت معنوی، قواعدی درباره ارتباط این عهدنامه با دیگر کنوانسیون‌ها یا اسناد بین‌المللی پیش‌بینی نکرده است. به نظر می‌رسد که پیش‌بینی چنین مقرراتی اجتناب‌ناپذیر است. برای مثال، اگر کنوانسیون لاهه و عهدنامه حقوق مالکیت معنوی هر دو لازم‌الاجرا شوند، باید معلوم شود که کدام کنوانسیون بر دیگری حکومت دارد. برای مثال فروش دارایی‌های تجاری را در نظر بگیرید که از جمله شامل فروش حقوق مالکیت‌های فکری می‌شود. آیا خریدار این دارایی هنگامی که فروشنده را مورد تعقیب قرار می‌دهد، می‌تواند به کنوانسیون لاهه یا عهدنامه حقوق مالکیت معنوی به انتخاب خود استناد کند؟ آیا در چنین صورتی عهدنامه حقوق مالکیت معنوی صرفاً دادگاه‌های اضافی اختیاری پیش‌بینی می‌کند؟ اگر چنین است این نتیجه می‌تواند به افزایش موارد انتخاب مناسبترین دادگاه در دعاوی مالکیت‌های فکری و خطر فزاینده صدور احکام متعارض منجر شود.

۴-۷. سایر مقررات (مواد)

طبق ماده ۲ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی تنها کشورهایی که عضو «کنوانسیون نیویورک درباره آرای داوری» هستند، می‌توانند عضو عهدنامه حقوق مالکیت معنوی شوند. ماده ۴ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی، حاوی مقرراتی است که در مورد شروط داوری اعمال می‌شوند. با توجه به اینکه کنوانسیون نیویورک موضوع ماده ۴ را مورد توجه قرار داده است پیش‌بینی مقررات مشابه در کنوانسیون حقوق مالکیت معنوی چندان ضروری نیست. همچنین کنوانسیون نیویورک و عهدنامه حقوق مالکیت معنوی در مسیرهای مختلفی با هم دیگر متقاطع هستند. برای مثال، طبق جزء b بند دو ماده ۵ کنوانسیون نیویورک، کشورها می‌توانند از شناسایی و اجرای احکام داوری در صورتی که شناسایی یا اجرا «مخالف نظم عمومی» آن کشور باشد خودداری کنند. جزء f بند یک ماده ۲۵ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی این امتناع را تنها در صورتی اجازه می‌دهد که شناسایی یا اجرا «آشکارا با نظم عمومی در تضاد باشد». مثال دیگر از اختلاف نظرهای کنوانسیون نیویورک و عهدنامه حقوق مالکیت معنوی در تعریف «قرارداد داوری» است. بند دو ماده ۴ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی در این زمینه از کنوانسیون نیویورک گام را فراتر نهاده است.

مطابق با ماده ۲ کنوانسیون مذکور، تنها شروط داوری در قراردادهای کتبی قابل شناسایی است اما به موجب بند دو ماده ۴ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی مرادفات غیرمکتوب و عرف نیز می‌تواند موجب یک قرارداد داوری باشد. لذا اگر عرف میان دو طرف متعاقد، داوری را تجویز کند کنوانسیون نیویورک قابل اعمال نیست. در حالی که عهدنامه حقوق مالکیت معنوی تجویز کند که این اختلاف باید به داوری برده شود و حکم داور نیز باید شناسایی و اجرا شود (ماده ۲۲ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی). این امر یک انحراف مهم از رویه کنونی می‌باشد و این مشکل را ایجاد می‌کند که عرف مورد استناد ممکن است به آن اندازه استقرار نیافته باشد تا نهاد داوری خاصی را تعیین کند یا قواعد داوری را معرفی کند.

جزء f بند سه ماده ۴ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی، این شرط را مطرح

می‌کند که در مورد قراردادهای مذاکره‌نشده که حاوی یک شرط داوری هستند و حقوق ثبت‌شده در آنها مطرح است، به هنگام ارزیابی صحت و اعتبار قرارداد و در کنار دیگر اوضاع و احوال از جمله کارشناس انتخاب‌شده مورد توجه دادگاه قرار گیرد. استعمال اصطلاح «حقوق ثبت‌شده» ممکن است مورد مناقشه قرار گیرد و جای بحث دارد. از جمله اینکه آیا این اصطلاح شامل حقوقی می‌شود که به وجود آمدن آنها مستلزم ثبت است یا اینکه حقوقی را که ثبت در آنها صرفاً جنبه اعلامی دارد نیز در بر می‌گیرد؟ با فرض اینکه جزء f ماده مذکور شامل هر دو دسته حقوق شود، این شمول تنها به این نتیجه بر می‌گردد که تخصص دادگاه باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین این پرسش که برای ارزیابی تخصص دادگاه تعیین‌شده چه معیاری قابل استفاده است مطرح می‌شود. برای مثال ممکن است برخی دادگاه‌ها نیاز به ارزیابی قانون خارجی را به عنوان بخشی از تخصص ذی‌ربط مورد توجه قرار دهند. نتیجه آن خواهد بود که این دادگاه‌ها قراردادهای مذاکره‌نشده را که حاوی شرط انتخاب دادگاه یا شرط داوری هستند، غیرمعقول تلقی کنند و صلاحیت انحصاری دادگاه انتخاب‌شده، بی‌اثر شود. این امر مطلوب به نظر نمی‌رسد و طرفین متعاقد را در معرض خطر بزرگتر یعنی حل اختلاف در یک دادگاه پیش‌بینی‌نشده مواجه می‌سازد. سرانجام آنکه شرط انتخاب دادگاه یا شرط داوری به نفع کشوری که حقوق مالکیت‌های فکری در آنجا به ثبت رسیده است، همواره معقول تلقی می‌شود. متنی که دارای این اثر باشد باید در ماده ۴ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی گنجانده شود.

۵. نظم عمومی و قانون حاکم

۵-۱. مقدمه

دادگاه‌ها می‌توانند بر مبنای ملاحظات مختلف ناشی از نظم عمومی از شناسایی یا اجرای احکام خارجی خودداری کنند. برای مثال برخی کشورها از اجرای احکام خارجی مربوط به صحت یا اعتبار یا نقض حق اختراع‌هایی که طبق قوانین آن کشور اعطا شده، به دلیل ملاحظات ناشی از نظم عمومی خودداری می‌کنند.

۵-۲. کنوانسیون بروکسل

بند یک ماده ۲۷ و ماده ۳۴ کنوانسیون بروکسل، این قاعده را مطرح می‌سازد که احکام خارجی در صورتی که شناسایی یا اجرای آنها «مخالف نظم عمومی» کشوری باشد که شناسایی یا اجرا در آنجا خواسته شده، شناسایی یا اجرا نخواهند شد. این مبنا برای امتناع از شناسایی یا اجرا، تنها در اوضاع و احوال استثنائی قابل استناد است. استثنای نظم عمومی برای ارزیابی ماهوی یا شکلی احکام خارجی به کار نمی‌رود.

۵-۳. کنوانسیون لاهه

جزء f بند یک ماده ۲۸ کنوانسیون لاهه مقرر می‌دارد که شناسایی یا اجرای احکام، در صورتی که «آشکارا مخالف با نظم عمومی باشد» قابل پذیرش نخواهد بود. با وجود این کنوانسیون لاهه «نظم عمومی» را تعریف نمی‌کند. هدف آن است که استثنای نظم عمومی به صورت مضیق تفسیر شده و تنها در موارد نادر اعمال شود. استثنای مذکور تنها در صورتی قابل استناد است که «اثر» یک حکم مخالف با نظم عمومی باشد و نه مخالف با قانونی که حکم بر اساس آن صادر شده است. اگر دادگاه صادرکننده رأی در اعمال قانون اشتباه کرده باشد، دادگاهی که شناسایی یا اجرای آن رأی از آن درخواست شده است نمی‌تواند به استثنای نظم عمومی استناد کند هرچند که دادگاه اولی قانون دادگاه دومی را، بد به کار برده باشد. معلوم نیست که آیا دادگاه‌ها می‌توانند هنگامی که نسبت به قانون قابل اعمال اختلاف نظر دارند به استثنای نظم عمومی استناد کنند یا نه.

۵-۴. عهدنامه مالکیت معنوی

جزء f بند یک ماده ۲۵ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی، مبتنی بر جزء f بند یک ماده ۲۸ کنوانسیون لاهه پیش‌بینی می‌کند که شناسایی یا اجرای احکام خارجی در صورتی که شناسایی یا اجرا «آشکارا با نظم عمومی کشوری که شناسایی یا اجرا از آن درخواست شده مخالف باشد» قابل پذیرش نخواهد بود. ادعا شده است که

دادگاه‌ها باید در دعاوی مالکیت‌های فکری قدرت تشخیص وسیعتری نسبت به امتناع از اجرای احکام بر مبنای ناسازگاری آنها با نظم عمومی داشته باشند. این اختیار تشخیص وسیع با توجه به این واقعیت توجیه می‌شود که دعاوی مالکیت‌های فکری نه تنها طرفین متداعیین را متأثر می‌سازد بلکه همچنین «بهداشت، سلامتی، توسعه، ظرفیت بیانی و کیفیت زندگی مردم کشور اجرا کننده» را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در صورتی که قاعده حل تعارض دادگاه صادرکننده حکم، خودسرانه و غیرمعقول باشد جزء g بند یک ماده ۲۵ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی، یک مبنای اضافی برای امتناع از شناسایی و اجرای احکام پیش‌بینی می‌کند. برای مثال، دادگاه مذکور قانونی را اعمال کرده باشد که به اندازه کافی، ارتباط مهم با اختلاف ندارد. نسبت به حقوق ثبت‌شده، اعمال قوانینی غیر از قوانین کشوری که حقوق در آنجا ثبت شده است، جز در فرضی که قضیه مربوط به ابطال حق ثبت شده باشد، باید گفت که این اعمال، ضرورتاً غیرمعقول تلقی نمی‌شود.

۵-۵. مطلوبیت

بحث درباره حدود نظم عمومی به این سؤال مربوط می‌شود که آیا این امر مطلوب است که دادگاه‌های یک کشور خاص توسط کنوانسیون‌های بین‌المللی برای رسیدگی به دعاوی مربوط به آن دسته از حقوق مالکیت‌های فکری که منشأ آنها کشورهای دیگر هستند، تعیین شود یا نه. با وجود پذیرش این واقعیت که حقوق مالکیت‌های فکری، ماهیت سرزمینی دارند و علی‌رغم وجود عهدنامه‌هایی که قانون ماهوی قابل اعمال را مشخص کنند برخی کشورها احساس خوبی نسبت به این عقیده ندارد که به ارزیابی حقوق مالکیت‌های فکری ایجادشده طبق قوانین دیگر کشورها بپردازند یا اجازه دهند حقوق مالکیت‌های فکری ایجادشده بر طبق قوانین آنها به وسیله دادگاه‌های کشور دیگر مورد ارزیابی قرار گیرد. برای مثال، در برخی کشورها نظیر امریکا و انگلستان دادگاه‌ها تمایلی به اعمال صلاحیت بر دعاوی راجع به نقض حقوق ثبت‌شده خارجی ندارند. محاکم دیگر کشورها نظیر آلمان و هلند برای خود

ممنوعیتی نسبت به اعمال صلاحیت بر اختلافات راجع به نقض مالکیت‌های فکری و اعمال قانون مالکیت‌های فکری خارجی احساس نمی‌کنند. این امر به ویژه برای ملت‌های توسعه‌یافته محل نگرانی است. آنها معمولاً صادرکننده مالکیت‌های فکری هستند و به همین دلیل قوانین مالکیت‌های فکری پیشرفته‌ای دارند. این کشورها ممکن است چنین برداشت کنند که طبق کنوانسیون لاهه، به دادگاه‌های آن کشور خارجی صلاحیت اعطا شود که با حقوق مالکیت‌های فکری چندان آشنا نیستند یا در این زمینه به اندازه کافی قوی نیستند. از نظر کنوانسیون لاهه و عهدنامه حقوق مالکیت معنوی می‌توان با الزامی ساختن عضویت در قرارداد TRIPS برای ملحق شدن به کنوانسیون لاهه و عهدنامه حقوق مالکیت معنوی، نگرانی کشورهای پیشرفته را برطرف ساخت. همچنین در کنوانسیون لاهه پیشنهاد شد که دولت‌های عضو باید الحاق دولت‌های غیرعضو را بپذیرند. سرانجام آنکه اعضای موافقت‌نامه مادرید پذیرفته‌اند که حقوق مالکیت‌های فکری آنها تا حدی مشخص در سیستم مرکزی تابع قوانین خارجی باشد. ثبت بین‌المللی علائم تجاری مطابق با موافقت‌نامه مادرید به عنوان ثبت آن علائم در هریک از دولت‌های عضو موافقت‌نامه مذکور تلقی می‌شود. با وجود این اگر یک ثبت خاص یا صحت و اعتبار یک علامت تجاری در یکی از دولت‌های عضو ظرف ۵ سال پس از ثبت بین‌المللی مورد ایراد قرار گیرد، در این صورت ثبت بین‌المللی - و دیگر ثبت‌های ملی - در تعیین سرنوشت ثبت ملی سهیم خواهند بود. بدین سان اعضای موافقت‌نامه مادرید این امکان را پذیرفته‌اند که علائم تجاری ایجادشده بر طبق قوانین ملی آنها ممکن است به وسیله یک دادگاه خارجی، غیرمعتبر شناخته شود.

در کنوانسیون لاهه و عهدنامه مالکیت معنوی، قواعد حل تعارض، پیش‌بینی نشده اگر چه نیاز جدی نسبت به چنین قواعدی وجود دارد. فایده قواعد حل تعارض عبارت است از منافع حاصل از کارایی برای متداعیین، کشورها و دادگاه‌ها و ساده‌سازی مسائل مالکیت‌های فکری بین‌المللی. همچنین قواعد مذکور می‌توانند توضیح بیشتری در این باره ارائه دهند که کدام قانون بر روابط حقوقی حاکم خواهد بود. با وجود این توافق نسبت به قواعد حل تعارض بین‌المللی به آسانی حاصل

نمی‌شود زیرا تا به حال در این زمینه هیچ‌گونه فکری واقعی وجود نداشته است. شاید پذیرش کنوانسیون لاهه حتی بدون قواعد حل تعارض و رویه بین‌المللی متعاقب آن نتیجه مطلوبی باشد.

۶. نتایج

کنوانسیون لاهه درصدد است تا به همان دستاوردهایی که کنوانسیون بروکسل به ارمغان آورده است نائل شود: یعنی چارچوبی ارائه دهد که مبانی صلاحیت را برای بالا بردن کارایی ترافعات، ادغام دعاوی و محدود ساختن حق انتخاب دادگاه در راستای منافع شخصی مقرر دارد. این چارچوب مبتنی بر تعهدات دولت‌های عضو نسبت به شناسایی و اجرای احکام صادره از دیگر کشورهای متعاقد می‌باشد. اما کنوانسیون لاهه با مسائلی مواجه شده است که در مقابل راه موفقیت آن قد علم کرده‌اند. این مسائل تا حد خیلی زیادی به مالکیت‌های فکری مربوط می‌شود.

مسائل مالکیت‌های فکری که در کنوانسیون بروکسل مطرح شده بود مجدداً در کنوانسیون لاهه ظاهر شد. برای مثال، طبق تفسیری که دیوان دادگستری اروپا از بند یک ماده ۵ کنوانسیون بروکسل ارائه داده است تعهد اصلی ناشی از قرارداد مبنای دعوی، جهت تعیین صلاحیت سرنوشت ساز است. همچنین ماده ۶ کنفرانس لاهه صلاحیت را تابع محلی می‌سازد که تعهد اصلی ناشی از قرارداد باید در آنجا اجرا شود. در قراردادهای مالکیت‌های فکری، تعهدات سلبی که در همه جا قابل اجرا هستند نقش مهمی را ایفا می‌کنند. همین امر منجر به صلاحیت دادگاه‌های متعدد برای رسیدگی به اختلاف واحد می‌شود. ماده ۷ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی، بالقوه، شمار دادگاه‌ها را برای قراردادهای «مربوط به» مالکیت‌های فکری افزایش می‌دهد.

همچنین، ملاحظه‌ای که کنوانسیون بروکسل و کنوانسیون لاهه را به صلاحیت دادگاه‌های مختلف هدایت کرد در دعاوی مسئولیت مدنی نیز وجود دارد. دادگاه‌های محل وقوع خطای زیانبار یا دادگاه‌های محلی که خسارت در آنجا ایجاد شده است واجد صلاحیت هستند. با توجه به اینکه، خطاهای مدنی مربوط به

مالکیت‌های فکری ممکن است به آسانی در شبکه جهانی اینترنت صورت بگیرند (ارتکاب یابند)، طرح دعوی بر مبنای چنین خطاهای زیانباری در بسیاری از دادگاه‌ها ممکن است. البته ماده ۶ عهدنامه حقوق مالکیت معنوی ممکن است به شمار دادگاه‌های صلاحیت‌دار اضافه کند.

تأثیر واقعی که کنوانسیون بروکسل و کنوانسیون لاهه بر دعاوی مالکیت‌های فکری دارد از مقررات راجع به صلاحیت انحصاری برای حقوق ثبت‌شده نشأت می‌گیرد. بند چهار ماده ۱۶ کنوانسیون بروکسل و بند چهار ماده ۱۲ کنوانسیون لاهه بحث مفصلی را درباره قلمرو شمول و آثار صلاحیت انحصاری برای حقوق مالکیت‌های فکری مطرح کرده‌اند. عهدنامه حقوق مالکیت معنوی غالباً صلاحیت انحصاری پیش‌بینی نمی‌کند.

کنوانسیون لاهه و عهدنامه حقوق مالکیت معنوی، احتمالاً از فقدان یک دادگاه فراملی که بتواند کنوانسیون را تفسیر کند رنج می‌برند. این امر یکی از مسائل خاص از نظر مقررات مربوط به نظم عمومی در کنوانسیون‌ها می‌باشد. بر مبنای این مقررات دادگاه‌ها می‌توانند از شناسایی و اجرای احکام خارجی به هنگامی که این امر آشکارا با نظم عمومی در تضاد باشد امتناع کنند. به نوبه خود، مسأله نظم عمومی، مسائل قانون قابل اعمال را در دعاوی مالکیت‌های فکری تحت تأثیر قرار می‌دهد. آیا مطلوب است که دادگاه‌های کشور A احکامی درباره صحت و اعتبار یا نقض حقوق مالکیت‌های فکری ایجادشده براساس قوانین کشور B صادر کنند؟ اگر کشور A یک چنین حکمی صادر کند آیا کشور B می‌تواند از شناسایی یا اجرای آن به استناد مقررات نظم عمومی خویش خودداری کند؟ بحث درباره این پرسش‌ها و جنبه‌های وابسته به مالکیت‌های فکری کنوانسیون لاهه به طور کلی اخیراً برچیده شده است. عهدنامه پیشنهادی حقوق مالکیت معنوی می‌تواند به این بحث کمک کند. این بحث اگر بحث داغی نباشد حتماً بحث جالبی خواهد بود.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. II, NO.1

2003-1

Articles

- Extra-territorial Jurisdiction of Iranian Courts to Crimes of Governmental Officers and Employees
- Reflections on Iranian Claims in the International Court of Justice
- Challenges of State Criminal Responsibility in the View of International Law Commission
- Electronic Commerce and Issue of Forum
- Legal Act in View of an Internationalist

Special Issue : Legal Protection of Copyright

- Relationship between Intellectual Works and their Owners in Islamic Law
- Copyright and Related Rights in the Agreement on Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights
- The Impact of Digital Technology on Copyright
- Fair Use of Another's Work : An Important Exception to Copyright
- Penal Protection of Literal and Artistic Property in the French Law
- International Jurisdiction and Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Intellectual Property Cases

Critique and Presentation

- European Police Office (Europol)
- World Health Organization's Framework Convention for Tobacco Control (2003)



S. D. I. L.
The S.D. Institute of Law
Research & Study